

# زایش کار زن است!

گفت و گو با «شهره لرستانی» کارگردان و بازیگر

مرجان سمندری



به نظر شما سهم بانوان در به عرصه رسیدن تئاتر چقدر است؟  
مثال این است که بگوییم سهم بانوان در تولید مثل، چقدر است؟ همین قدر مؤثر است که به هر حال هر نمایشی بر اساس زن یا مرد نوشته می‌شود و این طوری نیست که بتوان نیمی از بشر را حذف کرد. بنابراین حداقل، به اندازه نیمی از آن مؤثرند.

حضور زنان را در عرصه‌های مختلف حوزه تئاتر چگونه می‌بینید؟

خیلی فعال هستند البته من حدود چهار سال است که از فضای تئاتر، حتی از دیدنش هم، فاصله گرفته‌ام ولی دورادور در جریان هستم و می‌بینم که به هر حال آن‌ها خیلی بی‌گیرانه کار می‌کنند، و با تمام اجحافی که در حق خانم‌ها می‌شود آن‌ها، لحظه‌ای از فعالیت هنری خود فروگذار نمی‌کنند. طرفدار حقوق زن‌ها هستید یا مردها؟

من اصلاً فمینیست نیستم. طرفدار مردها یا زن‌ها نیستم بلکه طرفدار انسان‌ها هستم و فکر می‌کنم انسان‌ها در هر شرایطی که باشند اگر انتخاب درستی بکنند ارزشمندی آن‌ها معلوم می‌شود و من طرفدار انسان‌ها هستم.

در ده سال اخیر زنان در تمام حوزه نمایش فعالیت می‌کنند، خصوصاً در بخش نمایشنامه‌نویسی از مدعیان محسوب می‌شوند و از همه لحاظ رشد داشته‌اند ولی با وجود این کمتر به چشم می‌آیند. چرا؟

نمایشنامه‌نویسی نوعی زایش است و در واقع زایش هم کار زن است. به وجود آوردن و پدید آوردن اصلاً کار زن است و چون کار انفرادی است زودتر نتیجه می‌دهد و کسانی که خلایق دارند، زیاد در این زمینه تلاش می‌کنند. خانم‌ها که در عرصه‌های دیگر، پس‌رانده می‌شوند طبیعی است که وقتی می‌آیند به سوی نمایشنامه‌نویسی زودتر به نتیجه می‌رسند و با نمایشنامه‌هایشان اثری به جامی گذارند.

و این بد است که بخواهیم بگوییم این اثر چقدر ارزشمند یا کم‌ارزش است ولی در مرحله اول ممکن است که تعداد زیادتر باشد زیرا همان طور که گفتم کار تک‌نفره زودتر به نتیجه می‌رسد و زایش و به وجود آوردن اساسش بر مادیته بودن

جایگاه بانوان در تئاتر ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر من اصلاً جدا کردن این جایگاه خود نخستین قدمی است که باعث می‌شود به بانوان ظلم نشود و ما باید بگوییم جایگاه تئاتری‌ها در تئاتر کجاست که به نظر من جایگاه بسیار بدی دارند زیرا تئاتریها اصلاً جایگاهی ندارند، در عرصه تئاتر سیاست‌گذاری شده و برنامه‌ریزی شده کشور. و آنچه که مسلم است هر وقت کسی مدیر می‌شود با سیاستهای شخصی خود پیش می‌رود. با دوستان و معاشرین خود همکاری می‌کند و اگر کسی قرار باشد خارج از کشور بیاید کار کند از دوستان یار و غار خود او خواهند بود. و این اصلاً ربطی به زن یا مرد بودن ندارد و اصلاً تئاتری همیشه مورد ظلم واقع شده است زیرا هیچ سیاست مدونی وجود ندارد؛ هیچ برنامه‌ریزی حساب‌شده‌ای نیست و گذشته از همه این‌ها، دلسوزی هم برای آن نیست و قرار هم نیست اتفاق خوبی بیفتد مثلاً می‌گویند آدم به امید، زنده است ولی در مورد تئاتر این امید وجود ندارد که شرایط درست شود و در این وانفسا، خانم‌ها در همه عرصه‌های اجتماعی باید رنج ببرند و درجه دومی محسوب می‌شوند و به قول اوریانا فالاچی طبیعتاً خانم‌ها به طریق اولی و متعشان از آقایان که کار می‌کنند بدتر است زیرا آن‌ها اول باید ثابت کنند که می‌توانند فعال باشند و بعد کار خود را آغاز کنند، یعنی خانم‌ها به تلاش مضاعفی نیاز دارند برای اینکه بتوانند کار کنند.

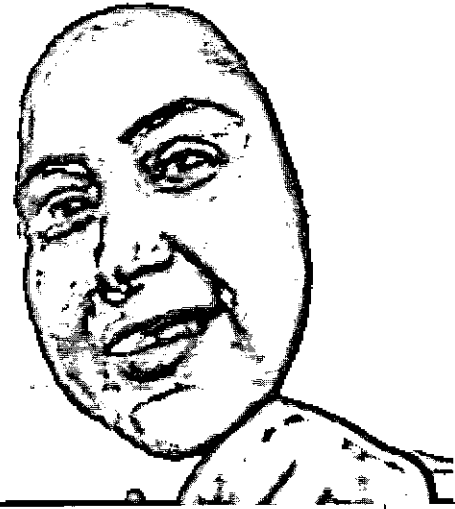
چالش‌های اصلی ما در تئاتر بر سر راه بانوان چیست؟

گفتم همین احقاق حق است. یعنی چه جوری فضا را باز کنند برای کار کردن و بعد قضاوت شوند یعنی اول زمینه کاری برایشان به وجود بیاید چون خانم هستند. البته چیزی را هم بگوییم که ما پر از شعارزدگی هستیم در عرصه سیاست‌گذاری که مثلاً قرار است به خانم‌ها امکانات بدهند و فلان کار را برایشان کنند ولی این‌ها واقعی نیست و واقعیت چیز دیگری است که چهره تلخی دارد در واقع کسی که وارد میدان می‌شود و می‌خواهد کار کند برایش خیلی سنگ‌اندازی‌هایی می‌شود. آن‌گاه متوجه می‌شود که بین شعار و عمل تفاوت است.

است و درست است که بدون تر، نمی‌شود و اگر اصل وجود یک تئاتر نمایشنامه‌اش باشد طبیعی است که دانه اولیه را یک زن داشته باشد ولی وجود نمایشنامه‌نویسان خوب مرد را انکار نمی‌کنم مثل مرحوم اکبر رادی، محمد چرمشیر، محمد رحمانیان یا خیلی از کسانی که می‌نویسند و خانم‌ها مثل چیستا یثربی، نغمه ثمین از آنجا که با آن‌ها ارتباط نزدیک دارم می‌دانم که نویسندگانی خیلی خوبی هستند و می‌شود روی آن‌ها حساب کرد.

از بانوان تأثیرگذار قبل از انقلاب چه کسانی را به خاطر دارید؟

متأسفانه به این سؤال نمی‌توانم جواب بدهم زیرا جای دیگری اشاره کردم و برایم دردسرساز شد ولی واقعیت این است که هنرمندهایی که در گذشته فعالیت می‌کردند اهمیت و ارزش‌های آن‌ها باید محفوظ باشد از آنجا که من هم مسئول خانه پیش‌کسوتان هستم می‌دانم که هر کدام جایگاه و شأن و منزلت خود را دارند و هیچ چیز باعث نمی‌شود که ارزش‌های آن‌ها نادیده گرفته شود من اینجا اسم نمی‌برم زیرا نمی‌خواهم برایم مسئله‌ساز شود ولی ما هنرمندان تأثیرگذاری داشتیم مثلاً در عرصه صدا، صدای قمرالملوک وزیری را داشتیم



کم کم بی علاقه می گردند به نظر شما چرا؟

به نظر من دلیلش نیاز وجودی زن است. زن ها به جلوه گری علاقه دارند و این اصلاً در نهاد زن گذاشته شده است، در آغاز خیلی از کسانی که به سمت کلاس های بازیگری می آیند به دنبال مطرح شدن هستند ولی وقتی وارد کار می شوند و سختی کار را می بینند - از هزاران مرغی که می پرند آیا سی مرغ، همان سیمرغ می توانند باشند؟ متوجه می شوند که کار هر بز نیست خرمن کوفتن، گاو تر می خواهد و مرد کهن! و من احساس می کنم در آغاز حرکت، فقط بر اساس میل و نیاز قلبی، و در نهایت آنچه می ماند توانمندی است و اگر کسی توانمندی داشته باشد، می تواند بماند زیرا این راه، راه بسیار پر مخاطره و سختی است چه برای آقایان و چه خانم ها، خانم ها زودتر جا می زنند. در کلاس درس من بچه هایی بودند که فکر می کردند برای بازیگری باید بیابند لباس شیک بپوشند، خودشان را درست کنند و عکس های دو متری شان روی دیوارها باشد و وقتی که از سختی های کار با آن ها صحبت کردم که، مثلاً قرار است در یک مردابی بازی کنند که ممکن است بعداً مدتی تمام تنش انگیل بزند و ناراحتی پوستی بگیرند در همان جا دو نفر از خانم ها آن چنان دچار اشمئزاز شدند که از کلاس رفتند با اینکه در موقعیتی قرار نگرفتند و فقط شنیدند.

به نظر شما بانوانی که وارد این حوزه می شوند بمانند چه کارهایی باید صورت بگیرد؟

به نظر من از سنین کودکی و از مهد کودک ها باید شروع کرد و آموزش صحیح هنر داد و بعد در مدارس، کلاس های مختص تئاتر برپا شود یعنی یک واحد فوق برنامه فعال تری داشته باشد که از همان ابتدای آن بچه ای که به عبارتی این کاره است شناخته، و به ارگان ها معرفی شود که این بچه کوچک می تواند بازیگر شود.

این استعداد درون نهفته به او کمک می کند، ممکن است که نویسنده، یا کارگردان یا بازیگر خوبی بشود.

مسئولان چقدر از بانوان هنرمند به عنوان عضوی از جامعه هنر، حمایت می کنند؟

آنقدری که به منافع شخصی آن ها کمک کند. به نظر شما علت اصلی این کم کاری و بی توجهی نسبت به بانوان چیست؟

برای اینکه منفعتی نمی برند. متأسفانه اینجا هر کسی به فکر منفعت خود است و اگر کسی منفعتی از قضیه تئاتر کار کردن خانم ها به دست بیاورد از آن ها حمایت می کند کما اینکه در جشنواره خانم ها خیلی ها یک دفعه قدم می کشند و حمایت می شوند ولی حمایت باید مستمر و مداوم باشد که چنین چیزی وجود ندارد زیرا در جریان مستمر و مداوم هدف شخصی - یک عده مشخص - قرار نیست تأمین شود بلکه دیگر خود جریان است که باید تقویت شود و به بار بنشیند برای همین، هیچ چیز به طور دائم برگزار نمی شود و همه چیز

خود این راه را هموار کردند و برای حضور الان ما شاید کسانی باشند که ما نمی توانیم نامی از آن ها ببریم شاید بشود نامشان را شهدای گمنام دنیای هنر بگذاریم.

جشنواره تئاتر بانوان برای حضور خانم ها چقدر مؤثر است؟

به نظر من صفر، من سه دوره داور جشنواره بانوان بودم و فکر می کنم این جور جداسازی ها اصولاً غلط است. من متوجه شدم نصف داورهای جشنواره امسال آقایان بودند و جشنواره ای که به اسم بانوان است ولی داورش و همه کاره آن آقایان باشند اینان اصلاً نمی توانند در مورد خانم ها قضاوت درستی بکنند. به نظر من اگر همه کاره جشنواره خانم ها باشند اینگونه می شود گفت که جشنواره مختص بانوان است آن هم نه برای بانوان، کما اینکه خیلی از مردها هستند که زنانه می نویسند، مردهایی هم هستند که کارگردانی می کنند برای زن ها و مردانی هم هستند که خوب تر از زن ها بازی می کنند. یعنی فکر می کنم بهتر این باشد که به جای مختص کردن جشنواره به بانوان، که تازه آخرش هم معلوم می شود همه دست اندر کارانش آقایان هستند، به مسائل بانوان که تازه به نظر من باز هم ضرورت ندارد. مثلاً چرا جشنواره آقایان مطرح نمی شود؟ همیشه این سؤال برای من مطرح است این جداسازی ها دامن می زند به اینکه ما بانوان جنس دوم و مهجور هستیم و به درد نخور و دعوت می کنیم که بیایید و ما را ببینید من فکر می کنم این جور اسم گذاری ها از ضعف است.

خانم لرنسانی در دانشگاه ها و آموزشگاه ها، بانوان بیشتر از تئاتر استقبال می کنند ولی متأسفانه بعد از دوره آموزش، کمتر جذب کارهای اجرایی می شوند و با

و این خانمی ست که می توانم به راحتی نام ببرم البته هنرمندان زیادی در گذشته داشتیم که ارزشمندند و خانم اند و جزء پیش کسوتان هم هستند و قطعاً جایگاهشان محفوظ است.

بانوان از چه موقع به صورت رسمی وارد دنیای هنر نمایش شدند و چقدر کار آن ها تأثیرگذار بوده؟

البته این را باید از یک تاریخ دان پرسید ولی من فکر می کنم از زمان نوشین و لرتا و پرخیده، فعالیت خانم ها به صورت رسمی آغاز شد و این ها عزیزانی هستند که راه را هموار کردند تا امروز ما بایستیم و در جایگاهی که روزی آن ها قدم گذاشتند قدم بگذاریم، ولی آنچه برای من مهم است این است که هموار کردن این راه خیلی سخت بود. یعنی نخستین جریان ها خیلی سخت به وجود آمد. چه در زمینه آواز چه در زمینه بازیگری، خانم ها دچار مشکل بودند. همان طور که حالا خانم ها در زمینه طراحی حرکات موزون دچار مشکلند و همیشه کسانی سد شکن هستند. همانطور که در جبهه ها هم دیدیم سد شکنان کار سخت تری بر عهده دارند زیرا جاده ای را برای آیندگان صاف می کنند، جاده ای که پر از مین های ناباوری، بی اعتمادی، حسادت، رقابت و این طور چیزهاست و این ها دارند این مین ها را خنثی می کنند تا مسیر را به وجود بیاورند و راه را هموار ساختن خیلی کار سختی است. سخت تر از موفق شدن. یعنی یک نفر که از یک مسیر ساخته قدم برمی دارد خیلی کار مهمی نکرده است، ولی کسی که این مسیر را ساخته کار سخت تری کرده است. آن کسی که در واقع کورمال کورمال گشته تا راهی را پیدا کند برای حضور و من فکر می کنم جواب این سؤال شما آدم های گمنامی هستند که نخستین تلاش ها را انجام داده اند و با سرکوب خانواده، محله و اجتماع



دارم که آخرین آن‌ها «پیک‌نیک در میدان جنگ» بود، نوشته «فرناندو آرابال». حالا هم دو کار آماده دارم که اگر موقعیتش فراهم شود انجام می‌دهم یکی «جانان مرغ دریایی» و یکی هم «چه کسی پنیر مرا جابه‌جا کرد؟» که این دو را با فرهنگ خودمان تنظیم و منطبق کرده‌ام و به نظر خودم کار خوبی است. آخرین کاری که دیدید چه بود؟

بانوی سال خورده به کارگردانی حمید سمندریان برای انتخاب نقش چه ویژگی‌هایی را در نظر می‌گیرید؟

در زمینه تئاتر نقش باید خیلی جای کار و فضا داشته باشد البته من بگم سیزده سال است که تئاتر بازی نکرده‌ام یعنی از وقتی که کارگردانی را شروع کردم خودم در تئاتر بازی نکردم و آخرین باری که بازی کردم نمایش زیبایی «ویتنا» بود که مربوط می‌شود به زمان دانشگاه و خیلی از زمان آن گذشته است.

به عنوان سخن آخر، اگر مطلبی ذکر نشده، یادآوری بفرمایید.

دلم می‌خواهد مسئولان تئاتر، جدی‌تر باشند و وقتی که یک تئاتری به آن‌ها مراجعه می‌کند فکر نکنند که در باز شده و او پشت در بوده و ممکن است این تئاتری فرآیندی را طی کرده شاید دو یا سه سال طول کشیده باشد تا تصمیم بگیرد و مراجعه کند به آن مسئول تا بگوید می‌خواهم تئاتر کار کنم و حیف است که به راحتی و با بی‌اعتنایی یک تئاتری را دل‌سرد کنیم از کار کردن.

امیدواریم که روزی باز هم شاهد حضور شما در

صحنه تئاتر باشیم

اگر فضا آماده باشد و مهیا شود با کمال میل خواهیم آمد.

در عرصه بازیگری، نغمه ثمین و چیستا یثربی در عرصه نوشتن و آریتا حاجیان و پری صابری به خاطر می‌آیند. در عرصه تحقیق و پژوهش، دکتر فریندخت زاهدی، مهین الدخت میهن‌گرم و طراحی لباس اناز زینعلیان و بهیه خوشنویسان، البته در هر زمینه‌ای که فکر کنیم خانم‌های بارزش زیانند.

چه راه‌هایی برای افزایش تعامل بانوان در حوزه تئاتر پیشنهاد می‌کنید؟

بیشتر دلم می‌خواهد به مسئولان پیشنهاد کنم که به جای توبوق و کرنا کردن مسائل خانم‌ها از آن‌ها حمایت شود تا ایشان بتوانند راحت‌تر کار کنند، یعنی به جای کارهای موقت جریان مستمری ایجاد کنند تا طی مسیر برایشان سهل باشد.

فکر می‌کنید بانوان در ایران بتوانند روزی سهمی از قدرتی را که مردان - در تئاتر - دارند کسب کنند؟

چرا که نه، حتماً ما بانوان بسیار قدرتمندی داشتیم مثلاً در عرصه بازیگری مثل مرحومه جمیله شیخی یا خیلی از هنرمندانی که در ذهن نیست. بسیاری آدم‌های بارز و بااستعدادی که دوش‌به‌دوش آقایان در این حرفه، حضور و سهم داشتند و کم‌اهمیت نبودند بلکه خیلی هم تأثیرگذار بودند.

چه نقشی از زنان تاریخ را دوست دارید بازی کنید ولی هنوز برایتان آن موقعیت پیش نیامده؟

یکی گردآفرید، و دیگری تنها زن عارف ایرانی رابعه، خیلی دوست دارم نقش او را بازی کنم.

چقدر با نقد موافقت می‌کنید؟

خیلی، زیرا نقادها کمک می‌کنند تا سره را از ناسره جدا شود. البته اگر بر مبنای حب و بغض نباشد. من همیشه نقدهایی را که راجع به کارهایم نوشته شده خوانده و نگه داشته‌ام، حتی آن‌هایی را که توأم با توهین بوده یعنی برایم مهم است و سعی می‌کنم نقدهایی را که در مورد کارهایم نوشته شده است بخوانم.

نقدها چقدر برای شما راه‌گشا است؟

خیلی، نقادها بهترین کمک‌ها را به من کردند بزرگ‌ترین منتقدان کارهای شما چه کسانی هستند؟

نصرت‌الله قادری، مسعود فروتن و حسن فتوحی، کسانی بودند که در واقع بدون هیچ نگرانی همه چیز را در مورد کارهای من گفتند و منتقدانی که در روزنامه‌ها یا مجلات نوشتن و من نامشان را نمی‌دانم.

آیا باز هم شاهد حضور شماروی صحنه تئاتر خواهیم بود؟ من بعد از این تغییرها یک‌بار رجوع کردم به آقای پارسایی، حسام این بود که ایشان تمایل دارند مرا سرر کار بگذارند و در واقع احساس نکردم که قرار است حمایت شوم. برای کار کردن، پیغام دادم ولی جوابی نگرفتم.

آخرین کاری که در تئاتر انجام دادید چه بود؟ من دوازده کار کارگردانی تئاتر در کارنامه‌ام

ه طور موقت است و در حد جشنواره‌ها و بعد هم می‌کوت.

شما چقدر با این جمله موافق هستید که، خانم‌ها در کارهای بیشتر از احساسات خود استفاده می‌کنند. آیا قایان از این مسئله میرا هستند؟

عضی از آدم‌ها احساساتی هستند و زن‌ها بیشتر، من موافقم که زن‌ها بیشتر احساسات خود را بروز می‌دهند ولی این نمی‌تواند تعمیم کلی داشته باشد. نظر من هر انسانی ویژگی‌های کلی دارد و ممکن است که یک مرد هم، باشد که به مراتب احساساتش بیشتر از خانم‌ها نشان دهد و یا یک خانم مقاوم تودار باشد که آقایی آن قدرت را نداشته باشد. نه، من این جمله را با قطعیت نمی‌پذیرم.

به نظر شما چقدر مخاطب به این مسئله توجه می‌کند به کاری که می‌بیند تلاش یک خانم باشد یا یک آقا؟

فکر می‌کنم مخاطب اهمیت می‌دهد چقدر این نمی‌دانم، فکر می‌کنم وقتی می‌بینند که یک خانمی کار کرده است راغب‌تر می‌شود، زیرا می‌داند در جامعه ما چقدر سخت است که یک خانم کار کند تا بتواند اثری از خود به جا بگذارد، ما برای من مخاطب جذاب‌تر است اگر بین دو تا اثر تصمیم بگیرم کدام را ببینم آن اثری را که یک خانم کار کرده، ترجیح می‌دهم زیرا می‌دانم چه حجت مضاعفی برای آن کشیده است.

به نظر شما خانم‌ها می‌توانند رقیب جدی برای آقایان باشند؟

من اصلاً قضیه را رقابتی نمی‌بینم زیرا اصلاً رینگ بوکسی نمی‌بینم، و این تفاوت دیدگاه من و شما است. سؤالتان را با محوریت زن مطرح کردید. من در واقع به اولویت انسان اهمیت می‌دهم و روابط انسان‌ها را رینگ بوکس نمی‌بینم یعنی اگر هر ببینم زن و مرد را مقابل هم نمی‌گذارم، بلکه مرد و نامرد را مقابل یکدیگر می‌گذارم.

چرا بانوان کمتر از قدرت اجرایی خود استفاده می‌کنند؟

یعنی از قدرت بازو استفاده نکرده‌اند منظورم این است که چرا خانم‌ها نسبت به آقایان، در استفاده کردن از حرکات و گفتار، محدودیت و ممیزی دارند؟

متأسفانه به دلیل همین ممیزی است که اشاره کردید، اگر آقایی یک لوندی یا شوخی انجام بدهد خانم‌ها نمی‌توانند. در مورد کم‌دین‌ها این مسئله بارزتر است و خانم‌ها در عرصه کم‌دینی خیلی دست و پا بسته عمل می‌کنند، آن قدر که مردها می‌توانند از بدنشان استفاده کنند خانم‌ها نمی‌توانند و این بر می‌گردد به ممیزی‌های اجتماعی نه ناتوانی خانم‌ها

چند نفر از بانوان شاخص فعال در حوزه تئاتر را نام می‌برید؟

چون این سؤال صریح پرسیده شده و من حضور ذهن ندارم می‌ترسم کسی را جا بیندازم و ابتدا به ساکن رؤیا تیموریان، رؤیا نونهالی، مهتاب نصیرپور